










مدیر مسؤول: محمود اسعدی

به اهتمام: شورای نویسندگان  
مسؤول اجرایی: کامران شرفشاهی  
صفحه آرایی: مهدی مقدم

۵	درآیینہ نظر جز به صفا نتوان کرد	 طیبه
۶	همتی بدرقه راه کن ای طایر قدس	 دیده‌های شماره
۸	آن لبخند منتشر	
۱۰	به صد دفتر نشاید گفت وصف الحال مشتاقان	
۲۹	«انسان، میوه نخل، و شوهر آهو خانم»	
۳۲	روند معرفی، بررسی و نقد کتاب	
۳۴	ترجمه؛ دریچه‌ای به رویدادهای فرهنگی جهان	
۳۶	کارنامه مورخان و تاریخ در کیهان فرهنگی	
۴۱	از روزنه آمار	
۴۶	سینما، تئاتر، موسیقی و عکاسی در آیینہ «کیهان فرهنگی»	
۵۷	دیروز؛ نظرها و اندیشه‌ها	
۶۶	صد گوهر افشاندہ به دیبای سخن	 بامراهان
۶۸	بامراهان	
۷۰	دکتر سیروس شمیسا	 وزن
۷۸	دکتر همایون همتی	 نظریه دینی دورکهایم (۲)
۸۳	آیت الله محمدابراهیم جناتی	
۸۶	علی محمدولوی	 تقدیر نظر
۹۱	اسحاق طغیانلی اسفرجانی	 زبان و ادبیات
۹۶	غلامحسین عمرانی	
۹۹	دکتر خسرو فرشید ورد	
۱۰۲	رضا ناظمیان	
۱۰۶	دکتر محمدرضا داد	
۱۰۸	امیرحسین رسول نیا	
۱۱۰	دکتر محمدحسین محمدی	
۱۱۲	دکتر نذیر احمد	 نگاهی به فرقه نقطویه
۱۱۶	اسلام دباغ	
۱۲۲	دکتر تقی آزاد ارمکی	 دولت و تحول اجتماعی





## ادبیات مهاجر و جبران خلیل جبران

امیر حسین رسولنیا

ادبیات عرب پس از پایان دوره عباسی دچار یک دوره سستی شد. با حمله ناپلئون به مصر و ورود صنعت چاپ به کشورهای عربی و نیز تحرک ادیبان عرب، این ادبیات جانی تازه گرفت تا امروز که با حرکتی شتابان و روحیه‌ای قوی به پیش می‌رود. شناخت عوامل این حرکت در ادبیات معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «ادب مهاجر» عامل مهمی در پیشرفت ادبیات معاصر عرب به شمار می‌رود، از این رو ضرورت دارد که این ادبیات و ویژگیهای آن بررسی شود. همچنین ضرورت دارد که شخصیت‌های بزرگ ادبی که این ادبیات را به وجود آورده‌اند شناخته شوند. جبران خلیل جبران از جمله این شخصیت‌ها و حتی پیشوای این ادبیات به شمار می‌رود. این مقاله به بررسی ویژگیهای ادب مهاجر و نیز شخصیت و آثار و مکتب ادبی جبران می‌پردازد.

■ ■ ■

در اواخر سده نوزدهم میلادی مهاجرت از کشورهای عربی به کشورهای اروپایی به صورت گروهی آغاز شد. این مهاجرت به علت ظلم و ستم حکومت عثمانی بر کشورهای عربی بود. علت دیگر مهاجرت، چیرگی فقر بر این کشورها بود. مردم برای فرار از ستم و فقر و به دست آوردن آزادی از دست رفته راه مهاجرت را پیش گرفتند.

جوانان روشنفکر از میان این گروه‌های مهاجر، گونه‌ای ادبی ایجاد کردند که بیان‌کننده احساسات و عواطفشان بود و بدین وسیله «ادب مهاجر» که به یک مکتب ادبی بزرگ در ادب معاصر عربی تبدیل شده بود، به وجود آمد.

از مهم‌ترین ویژگیهای ادب مهاجر می‌توان آزادی از قیود قدیم، و اسلوب فنی جدید و ممتاز آن را ذکر کرد. شعر ادیبان مهاجر مقید به قوانین وزن و قافیه نبود و تحت تأثیر ادبیات غرب، به شیوه آزاد سروده می‌شد و سبک رمانتیک برای خلق آثار ادبی بر آن ادبیات چیره شد. شاعران مهاجر به معنی وسیع کلمه در شعر نوآوری کردند. نوآوری آنها در اسلوب و زبان و موضوع و نیز شکل ظاهری شعر و اوزان و قافیه‌های آن و استفاده از زبان عادی مردم بود. در این شعر، معنا و وضوح آشکار دارد و چیزی میان شنونده و معنا واقع نمی‌شود. هدف اصلی آنان تعبیرهای هنری نیست، بلکه هدف اصلی، توجه به افکار و معانی است و معنا همه چیز شعر و روح و جوهر اصلی آن است. از نظر آنان لفظ و زینت‌پردازی لفظی هدفهای قدیمی پوسیده هستند و وظیفه شاعر آن است که با آزادی کامل و با ساده‌ترین الفاظ و اسلوبها از پنهانی‌های درون خود پرده بردارد.

آزادی احساس و گرایش به مسایل انسانی شعر مهاجر ربط زیادی به ادبیات غرب دارد، ضمن اینکه با تعمق در شعر مهاجر مشخص می‌شود که روح شرقی بر آن مسلط است و تأثیر غرب روی آن خیلی ضعیف است، به طوری که اگر این تأثیر ضعیف را در نظر بگیریم گرایشهای شرقی و غربی در آن بروزی آشکار دارد و عمق و اصل آن را همین روح شرقی تشکیل داده است.

موضوعهای بارزی که در ادب مهاجر دیده می‌شود، عبارتند از:

عشق به میهن، موضوعهای اجتماعی و انسانی، احساس عمیق نسبت به طبیعت و گریز از شهر نشینی و مظاهر فاسد تمدن و وصف آمیخته با موسیقی. مردم عرب زبان پس از مهاجرت به سرزمینهای دور به تشکیل مجامع مختلف ادبی پرداختند. مهم‌ترین این مجامع، «انجمن قلم» (الرابطة القلمیة) در آمریکای جنوبی و «جمعیت اندلسی‌ها» (الجمعية الاندلسیة) در برزیل است.

«جمعیت اندلسی‌ها» در سال ۱۹۲۳ در شهرستان پاولو برزیل به مدیریت میشل معلوف، «انجمن قلم» در سال ۱۹۲۰، در حالی که آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ور بود در شهر نیویورک آمریکا به مدیریت جبران خلیل جبران تشکیل

شد. ادیبان بزرگ مهاجر با این دو انجمن همکاری داشتند، بسیاری نمونه میخائیل نعیمه به عنوان معاون و ایلیا ابوماضی به عنوان عضو با انجمن قلم همکاری می‌کردند.

هدف اصلی انجمن قلم «دمیدن روح نشاط در پیکره ادبیات عرب و رهایی آن از فرو رفتن در سستی و تقلید بود»<sup>(۱)</sup>

جبران خلیل جبران مدیر انجمن قلم و پیشوای ادب مهاجر به سال ۱۸۸۳ در روستای «بشزای» در منطقه جبل لبنان به دنیا آمد. مادر جبران کاملاً رحمة که زنی با تقوا و دیندار و نیکوکار بود، در سال ۱۸۹۵ برای نجات خانواده از فقر مادی و فرهنگی تصمیم گرفت به همراه فرزنداناش به آمریکا مهاجرت کند. همه اعضای خانواده جبران بجز پدر به آمریکا رفتند و در شهر بوستون اقامت گزیدند.

جبران از بیست و دو سالگی به انتشار آثار ادبی خود پرداخت و انتشار این آثار تا پایان عمرش ادامه داشت. او آثارش را به دو زبان عربی و انگلیسی می‌نوشت. آثار عربی او عبارتند از: «موسیقی» (الموسیقی)، «نوع‌ورسان دشتها» (عرائش المروج)، «روانهای سرکش» (الارواح المتمردة)، «بالهای شکسته» (الاجنحة المتكسرة)، «اشک و لبخند» (دمعة و ابتسامة)، «همراهان» (المواكب)، «توقانها» (العواصف)، «نکته‌ها و لطایف» (البدایع والطرائف). و آثار انگلیسی او نیز عبارتند از: «دیوانه»، «پیشاهنگ»، «پیامبر»، «ماسه و کف»، «مسیح پسر انسان»، «خدایان زمین»، «سرگردان» و «باغ پیامبر».

افکار جبران ریشه در مطالعات وی، تجربیات شخصی و تأمل در زندگی و جامعه دارد. جامعه انسانی الفبای کار جبران در ادبش است. جامعه مزرعه‌ای است که



جبران عصاره روح و شعور خود و افکار و خیالاتش را در آن می‌کارد و همه آثارش نسیمهای محبتی است که جبران برای مردم تشنه حقیقت به ارمغان می‌آورد.

«جبران در کتابهای «بالهای شکسته»، «روانهای سرکش»، «نوعروسان دشتهای» و «توفانها» یک انقلابی و سرکش؛ در «اشک و لیخند» یک انسان آرام و خیال‌پرداز؛ در «دیوانه»، «پیشاهنگ» و «همراهان» یک حکیم تأمل‌گرا و در کتاب «پیامبر» یک هادی و مبشر است.» (۲)

دو مزاج متضاد جبران در آثارش به خوبی مشاهده می‌شود، یکی مهربانی و دل‌سوزی و آرامش همراه با خوشبینی است که در کتابهای «موسیقی» و «اشک و لیخند» دیده می‌شود، و دیگر خشم شدید نسبت به واقعیتهای دردناک و ستمهای رایج که بخاطر اصلاح آنها در وجود جبران موج می‌زند. این روحیه بیشتر در کتابهای «نوعروسان دشتهای» و «روانهای سرکش» دیده می‌شود.

هدف ادبیات جبران ویژه یک قوم نیست، بلکه او احساس می‌کند که باید سخنانی بگوید که برای تمام جهانینان مفید باشد. او در آثار خود به قوم خود توجه دارد، اما قومی نمی‌اندیشد و اندیشه‌اش انسانی و جهانی است. از این رو جبران شاعر و هنرمند، توانست برای ادب عربی ریشه‌های قوی و پایداری در پهن دشت ادبیات جاودان جهانی ایجاد کند و تبدیل به ادیب بزرگی شود که مایه افتخار شرق و غرب باشد.

آثار عربی جبران امروز از بزرگترین شاهکارهای ادبیات عرب به‌شمار می‌رود. شیوه وی چه در ادبیات عربی و چه در ادبیات انگلیسی دارای بینشی عارفانه و زیبایی‌موزون شاعرانه است. جبران روشنی نو در حل مسایل زندگی پدید آورده است. گفته‌های او حاصل نیروی معنوی خاصی است که با نفوذ خارق العاده‌ای در عمق وجود خواننده فرو می‌رود.

جبران هم در آثار عربی و هم در آثار انگلیسی خود به شرق و معنویت حاکم بر آن توجه دارد و از آن متأثر است. او هرگز تحت تأثیر تمدن غرب قرار نگرفت و خود را در مقابل آن محیط نباخت. او در سبک، تحت تأثیر رمانتیسم غربی به خلق آثار خود پرداخت، اما نه تنها هرگز رنگ شرقی در آثار او کم نشد بلکه سبک او در ادبیات غرب نیز اثر گذاشت. او به چنان مهارت و استقلالی در نگارش به زبان انگلیسی دست یافت که پس از انتشار سروده‌هایش به این زبان، اصطلاح «جبران‌سیم» در ادبیات انگلیسی بویژه در آمریکا متداول گشت. مفهوم این اصطلاح برای انگلیسی‌زبانان نگرشی صوفیانه و پرداختی تازه به مسایل حیات در قالب زبانی سنجیده و زیبا بود.

از نظر مقدسی بیشترین مقدار شعر خوب در ادب معاصر عرب شعر رمانتیکی است که قدری هم گرایش به رمزگرایی دارد. ادب جبران چه در قالب شعر و چه در قالب نثر منسوب به این مکتب است و مکتب رمانتیسم از طریق آثار جبران به شرق کشیده شد. در واقع می‌توان گفت که جبران خلیل جبران تنها رمانتیک اصیل در میان رمانتیکهای عرب است.

اصول مکتب رمانتیسم عبارتند از: آزادی و عشق، شخصیت، هیجان و احساسات، گریز و سیاحت، کشف و شهود (معرفت نفس) و علاقه به دین. (۳) این

اصول در آثار جبران حضوری بارز دارد. او آزادانه به هر موضوعی که می‌خواهد می‌پردازد و زشتیها و زیباییهای جامعه را بیان می‌کند. به عنوان شخصیت ناظر در داستانهایش حضور پیدا می‌کند و در داستانی مانند «بالهای شکسته» خود، محور داستان است. او با احساسات عمیق از دردهای جامعه و میهن خود (لبنان) سخن می‌گوید و فقر و فساد را در آن بررسی می‌کند. او از محیط شلوغ شهرها بیزار است، از این رو از آن می‌گریزد و در طبیعت به سیر و سیاحت می‌پردازد.

گاهی نیز به درون خود سفر می‌کند. نفس در ادب جبران عنصری روحانی و شعله‌ای سوزان است که خداوند از ذات خود جدا کرده و وقتی از بدن جدا می‌شود به عالم ارواح سفر می‌کند. او معرفت خدا را از طریق معرفت نفس می‌داند.

«جبران در دو زمینه شعر و نثر قلم‌فرسایی کرده است. سه ویژگی وحدت موضوعی، بیان زیبا و آزادی سبک که از ویژگیهای شعر معاصر است (۴)، در شعر جبران دیده می‌شود. سبک شعری او یک سبک آزاد است و بیشتر اشعار او به سبک موشحات معاصر سروده شده است. نه تنها جبران، بلکه دیگر ادیبان

مهاجر نیز به موشحات توجه داشته‌اند. آنها به موشحات اندلس علاقه داشته و بسیاری از قصایدشان را براساس این موشحات سروده‌اند. علت توجه به موشحات،

افزون بر زیبایی آن، زیادی اوزان و آزادی کامل در قافیه‌های آنهاست. موشحات معاصر را نمی‌توان از حیث وزن و قافیه پیرو قواعد معینی دانست، زیرا شاعران این دوره قالب و قافیه و اوزان را متناسب با مضامین به کار برده‌اند. به عبارت دیگر، سرایندگان معاصر در بند موشح تام و اقرع و تعداد ابیات نبوده و ذوق شاعرانه را به اقتضای مضامین در برگزیدن صور موشح بیشتر از هر چیز رعایت کرده‌اند.

قصیده بلند «همراهان» و نیز بیشتر قطعات منظوم کتاب «نکته‌ها و لطایف» جبران به سبک موشحات معاصر است. با مطالعه این قطعات در می‌یابیم که جبران در هر قطعه‌ای سبکی ویژه به کار برده و کمتر دو قطعه‌ای است که یکسان سروده شده باشد. این تنوع و زیبایی از ویژگیهای بارز شعر جبران است.

نثر جبران نیز نثر شعری است که در آن، روح شعر همراه با عاطفه و خیال و آهنگ در ترکیب و توجه به مجاز بیشترین حضور را دارد. و بیشتر در زمینه داستان، رمان، نمایشنامه و مقاله است که به موضوعهایی گونه‌گون می‌پردازد. موضوعهای اجتماعی در آثار جبران به چشم می‌خورد. او در آثار خود به موضوعهایی چون دین، زن و مسایل مربوط به او در جامعه، عشق و محبت، آزادی، انسان و خودشناسی، طبیعت و شهرنشینی می‌پردازد. وصف در آثار او به صورتی بسیار زیبا و دلپذیر حضور می‌یابد و در همه آثارش رنگ شرقی و توجه به زادگاهش (لبنان) به خوبی مشاهده می‌شود.

جبران خلیل جبران به «دین» به عنوان «اصل» در تشکل زندگی فردی و اجتماعی احترام می‌گذارد و ضمن اینکه خود متدین به دین مسیح (۵) است، به همه دینها احترام می‌گذارد. در آثار وی احترام به دین اسلام و توجه به پیامبرگرامی اسلام حضرت محمد (ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) که عنوان بزرگترین شخصیت‌های تاریخ به چشم می‌خورد.

به هر حال، ادب جبران ادب هدف‌داری است که می‌خواهد چشم مردم را در برابر زیبایی و حقیقت بگشاید و آنها را به چشمه‌های دوستی و آزادی برساند و مکتب او اکنون به عنوان یک مکتب ادبی، و اسلوب او با نام «اسلوب جبرانی» در ادبیات عرب شهرت یافته است؛ اسلوبی که ادبیات مهجر بر آن بنا شده و ادبیات معاصر عرب نیز تحت تأثیر این اسلوب جان تازه‌ای گرفت و به پیش رفت.

### پی‌نوشت:

- ۱- محمد عبدالنعم خفاجی، «قصه الادب الهجری»، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۶ م، ص ۸۳.
- ۲- طنسی زگا، «بین نعیمه و جبران»، بیروت: مکتبه المعارف، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۸ م، ص ۲۱ و عیسی الناعوری، ص ۳۵۷.
- ۳- رضا سید حسینی، «مکتبهای ادبی»، انتشارات نیل، چاپ پنجم، ۱۳۵۳ ش، صص ۷۸-۷۲.
- ۴- انیس المقدسی، «الاتجاهات الادبیه فی العالم العربی الحدیث»، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثامنة، ۱۹۸۸ م، ص ۴۱.

### منابع:

- ۱- محمد عبدالنعم خفاجی «قصه الادب الهجری»، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۶ م
- ۲- محمد زکی المشاوی، «الادب و قیم الحیاة المعاصرة»، الاسکندریه: هیئة المصریة العامة للکتاب، الطبعة الثانیة.
- ۳- شوقی ضیف «دراسات فی الشعر العربی المعاصر»، مصر: دارالمعارف، الطبعة الخامسة.
- ۴- عیسی الناعوری، «ادب المهجر»، مصر: دارالمعارف.
- ۵- عبدالکریم الاشر، «النثر المهجری»، بیروت: دارالفکر، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
- ۶- خلیل حاوی، «جبران خلیل جبران، اطارة الحضاری و شخصیت و آثاره»، نقله الی العربیة: سعید فارس باز، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى، ۱۹۸۲ م.
- ۷- مختابیل نعیمه، «المجموعه الکامله لمؤلفاته»، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۷ م.
- ۸- جبران خلیل جبران «المجموعه الکامله لمؤلفات جبران العربیة و المعرمة من الانکلیزیه»، بیروت: دارصادر.
- ۹- طنسی زگا، «بین نعیمه و جبران»، بیروت: مکتبه المعارف، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۸ م
- ۱۰- جبران خلیل جبران، «پیامبر»، ترجمه مصطفی علم، شرکت چاپ تابان، ۱۳۴۱ ش.
- ۱۱- جعفر مؤید، «با جبران در باغ پیامبر»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره‌های اول و دوم.
- ۱۲- انیس المقدسی، «الاتجاهات الادبیه فی العالم العربی الحدیث»، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثامنة، ۱۹۸۸ م.
- ۱۳- فیروز حریرچی، «موشح در ادبیات عرب»، تهران: چاپ مینهن، ۱۳۴۱ ش.
- ۱۴- جرج صیدح، «ادبنا و ادبنا فی المهاجر الامریکیه»، بیروت: دارمکتبه الحیاة، ۱۹۵۷ م.
- ۱۵- جبران خلیل جبران، «شعله کبوده»، ترجمه مهیندخت ممتدی، تهران: انتشارات وحید.